

مقاله پژوهشی  
اصل  
Original  
Article

## رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زنان و مردان متأهل شهر تهران)

مرجان رشوند سرخکوله،<sup>۱</sup> فاطمه وجدانی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** یکی از کارکردهای مهم خانواده، فرزندآوری است که خود تحت تأثیر نگرش زوجین به باروری است. هدف این تحقیق، شناسایی رابطه میان ترس از طلاق و نگرش زوجین به فرزندآوری بود. در عین حال، برای ریشه‌یابی این مسئله، دو متغیر «نگرش به روابط دختر و پسر» و «سابقه دوستی با جنس مخالف» نیز بررسی شد. **روش:** تحقیق حاضر یک پیمایش مقطعی و جامعه آماری آن، شامل زنان و مردان متأهل ۴۵-۲۰ ساله ساکن مناطق یک، هشت و هجده شهر تهران است. **یافته‌ها:** متغیرهای سن، تحصیلات، نگرش به روابط دختر و پسر و ترس از طلاق، رابطه منفی با متغیر نگرش به فرزندآوری دارند؛ بدین معنا که با افزایش سن، تحصیلات، نگرش مثبت به روابط دختر و پسر و ترس از طلاق، نگرش مثبت به فرزندآوری کاهش می‌یابد. زنان نسبت به مردان، نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری دارند و افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف نداشته‌اند، در مقایسه با افرادی با چنین سابقه‌ای، نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری دارند. متغیرهای نگرش به رابطه دختر و پسر، سابقه دوستی با جنس مخالف، ترس از طلاق و تحصیلات؛ به ترتیب، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های نگرش به فرزندآوری‌اند. متغیرهای جنس و سن، در مراتب بعدی قرار دارند. **نتیجه‌گیری:** اقدامات لازم برای زمینه‌سازی و تشویق فرزندآوری باید از دوران کودکی و نوجوانی آغاز شود. تربیت درست و اصلاح الگوهای ارتباطی با جنس مخالف، می‌تواند در تأمین سلامت روانی جوانان و همچنین، داشتن یک زندگی خانوادگی موفق و فرزندآوری، مؤثر باشد.

**واژگان کلیدی:** ترس از طلاق، نگرش به فرزندآوری، نگرش به روابط دختر و پسر، دوستی دختر و پسر.

❖ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

۱. دکترای جمعیت‌شناسی، استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. نویسنده مسئول. m.rashvand@atu.ac.ir

۲. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. f\_vojdani@sbu.ac.ir

### الف) مقدمه و بیان مسئله

خانواده سالم، پرنشاط و کارآمد در هر جامعه‌ای، نویدبخش جامعه‌ای سالم، پویا و رو به پیشرفت است. از این رو، دولتها تلاش می‌کنند که مسائل نهاد خانواده را حل کنند و کارکرد این نهاد را بهبود ببخشند.

یکی از کارکردهای مهم خانواده، فرزندآوری و تولید سرمایه انسانی سالم و کارآمد است. در دهه‌های اخیر، میزان باروری در سراسر جهان رو به کاهش بوده است. ایران نیز تحت تأثیر تحولات باروری اخیر، تغییرات جمعیت‌شناختی گسترده‌ای را تجربه کرده و با چالشهای جمعیتی مهمی مواجه شده است (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۷). در سال ۱۳۷۹ باروری در ایران به سطح زیر جانشینی (یعنی متوسط کمتر از ۲.۱ فرزند برای هر زن) رسید و این روند کاهشی تا سال ۱۳۹۰ به طور ثابت تداوم یافت. اما از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ تحت تأثیر متولدین دهه ۶۰ که به سنین ازدواج و باروری رسیده بودند، شاهد مقداری افزایش در باروری در کشور بودیم. اما بعد از سال ۱۳۹۵، دوباره میزان باروری در کشور با کاهش مواجه شد (رازقی نصرآباد، ۱۳۹۸). طبق گزارشهای مرکز آمار ایران، میزان باروری کل برای سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹، به ترتیب برابر ۲.۰۷، ۱.۹۷، ۱.۷۷ و ۱.۷۱ فرزند برآورد شده است؛ لذا همچنان روند کاهنده دارد.

بحث جمعیت و فرزندآوری و در واقع؛ تصمیمات باروری، تحت تأثیر نگرش زوجین به باروری و تمایلات فرزندآوری است. تحقیقات میدانی نشان می‌دهند که تمایل به فرزندآوری در میان زوجین در کشور ما کاهش یافته است (پلتن و رحمانیان، ۱۳۹۴)؛ بیش از ۶۰ درصد زنان با وجود قدرت باروری، تمایل به باروری ندارند (مطلق و همکاران، ۱۳۹۵). طبق آمارهای رسمی، ایران طی حدود چهار دهه اخیر با کاهش حدود ۳.۵ برابری باروری کل، نسبت به اوایل دهه ۱۳۶۰ مواجه شده است. این امر نگرانی‌های زیادی را در رابطه با جمعیت کشور به وجود آورده است (دراهمکی و همکاران، ۱۴۰۲). سیاستگذاری مناسب برای اصلاح روندهای جمعیتی، مستلزم این است که علل و عوامل تغییر در ترجیحات باروری را به طور دقیق بشناسیم.

درباره تغییرات نگرش به باروری، تاکنون نقش عواملی همچون: تمایل به برابری جنسیتی (خواجeh صالحی، ۱۳۹۱)، دینداری (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۷؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۲)، سن، تحصیلات، جنسیت (طاووسی و همکاران، ۱۳۹۶)، فردگرایی، نگرش به اشتغال، استفاده از اینترنت (عباسی و همکاران، ۱۴۰۱)، جنسیت (بگی و همکاران، ۱۴۰۰)، تحصیلات (صیفوری طغرالجردی و

### رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری... ۳۳

همکاران، ۱۳۹۸؛ علی دوستی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نادری پور و همکاران، ۱۴۰۲)، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی (رسولزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵)، رضایت از زندگی زناشویی (دراهمی و همکاران، ۱۴۰۲)، سن زن در هنگام ازدواج، قدرت زن در خانواده (کشاوری و همکاران، ۱۳۹۲)، اشتغال زن (ایمان و همکاران، ۱۳۹۴)، احساس امنیت اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی (لاریجانی و ایزدی، ۱۴۰۲)، مدیریت بدن، اوقات فراغت (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵) و نظایر اینها شناسایی شده‌اند. اما به نظر می‌رسد این مسئله مهم هنوز ابعاد ناشناخته‌ای دارد. در این میان، یکی از متغیرهایی که در پژوهشهای مربوطه مغفول مانده، «ترس از طلاق» است.

می‌دانیم که همه والدین آرزو دارند فرزندان شاد داشته باشند. لذا هرگونه عدم اطمینان و نگرانی شدید بابت آینده فرزندان، ممکن است تمایل زوجین به فرزندآوری را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از این نگرانی‌ها می‌تواند نگرانی درباره استحکام و ثبات بنیاد خانواده و به عبارتی، ترس از طلاق باشد؛ زیرا طلاق از یک سو می‌تواند برای فرزندان تبعات منفی (همچون تک‌سرپرستی، ضربه عاطفی، مسائل تربیتی و نظایر اینها) داشته باشد و از سوی دیگر، مشکلات بیشتری که در اثر طلاق برای زوجین دارای فرزند پیش می‌آید، می‌تواند زوجین را برای فرزندآوری دچار تردید کند.

به ندرت برخی از صاحب نظران نیز طی مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، اشارتی به این مسئله داشته‌اند. برای نمونه، اقلیما (۱۳۹۰) کاهش رغبت زوجین جوان برای داشتن فرزند را پیامد وجود مسائل اجتماعی و خانوادگی، از جمله طلاق و بی‌اعتمادی به همسر ذکر کرده است؛ به طوری که زمانی که دختران اطمینان خود را به مردها از دست بدهند، ترس از به هم خوردن زندگی باعث می‌شود از بچه‌دار شدن اجتناب کنند. صادقی (۱۳۹۹) نیز ضمن اشاره به افزایش آمار طلاق در کشور، معتقد است که ترس از طلاق در سالهای اولیه ازدواج، موجب تأخیر در فرزندآوری زوجین شده است؛ زوجین برای اطمینان از شرایط پایدار زندگی مشترک خود، موضوع فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازند. اما تحقیق بخصوصی در این زمینه انجام نگرفته است تا ابعاد گوناگون این مسئله را به طور دقیق بررسی کند. بنابر این، یکی از اهداف این تحقیق، شناسایی رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری در بین زوجین است. در عین حال، برای ریشه‌یابی بیشتر این مسئله، دو متغیر دیگر؛ یعنی نگرش به روابط دختر و پسر و سابقه دوستی با جنس مخالف نیز بررسی شده‌اند.

مطالعه درباره پیامدهای دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج، روی زندگی دوران متأهلی، علاوه بر اینکه به خودی خود موضوع مهمی است، مطالعه رابطه آن با ترس از طلاق،

ممکن است برخی زوایای نگرش به فرزندآوری را نیز برای ما روشن کند. ما با توجه به یافته تحقیقات میدانی، می‌دانیم که تجارب روابط قبلی فرد می‌تواند در اعتماد یا بی‌اعتمادی نسبت به طرف مقابل در روابط جدید و به ویژه نسبت به همسر آینده، در رابطه با ازدواج نقش مهمی ایفا کند (کمپل<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ کمپل و استانتون، ۲۰۱۹). اعتماد، یکی از عوامل ثبات و پایداری در ازدواج محسوب می‌شود و بالعکس، کاهش اعتماد در روابط با همسر، منجر به نگرانی و تنش روحی می‌شود (طلایی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱) و زوجین در شرایط بی‌ثباتی خانواده، کمتر حاضر می‌شوند تا تن به دردسر و زحمت فرزندآوری بدهند.

اگر اطلاعات کامل‌تر و دقیق‌تری درباره رابطه میان ترس از طلاق با نگرش به فرزندآوری به دست آید و به ویژه، عوامل مؤثر بر آن نیز معلوم شود، آن‌گاه می‌توان در گامهای بعد برنامه‌های آموزشی دقیق‌تری را متناسب با شرایط زوجین طراحی کرد، تا با پی‌ریزی روابط سالم میان اعضای جامعه و پیشگیری از این مسئله (ترس از طلاق)، هم به آرامش و سلامت روان افراد کمک کرد و هم پایه‌های اعتماد را در میان زوجین تقویت کرد و در نهایت، به استواری خانواده‌ها و کمک به فرزندآوری و فرزندپروری در شرایط روانی و اخلاقی مطلوب همت گمارد. بنابر این، اهمیت این مطالعه از آنجا مشخص می‌شود که در جامعه ایران با عنایت به هنجارهای شرعی و عرفی، افزایش باروری فقط در حیطه خانواده است؛ لذا هرگونه تغییر در جهت به هم زدن فضای اعتماد و آرامش زوجین و افزایش ناپایداری و اضمحلال خانواده، روی شاخص میزان باروری کل<sup>۲</sup> تأثیر می‌گذارد. بنابر این، شناسایی عوامل آسیب‌رسان و ریشه‌یابی آنها در سطوح مختلف، می‌تواند مهم باشد. با توجه به سیاستهای جمعیتی کشور، در کنار تشویق جوانان به ازدواج و فرزندآوری، از دیگر اقدامات اثرگذار می‌تواند پیشگیری و درمان آسیبها و حفظ و تحکیم خانواده و تأمین زمینه‌های مثبت و مناسب برای فرزندآوری باشد.

### ۱. پیشینه پژوهش

درباره موضوع این تحقیق؛ یعنی رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری، طبق جستجوهای انجام‌شده، پژوهش منتشر شده‌ای یافت نشد. بنابر این، در بررسی پیشینه عام تحقیق می‌توان به موارد دیگری که تا حدودی به موضوع این تحقیق نزدیک‌تر باشند، اشاره کرد.

1. Campbell

2. TFR

### رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری... ♦ ۳۵

در سطحی کلی تر، میان کیفیت زندگی یا رضایت از زندگی و نگرش به فرزندآوری، قبلاً نیز تحقیقاتی انجام شده است (مدیری و همکاران، ۱۳۹۷؛ بگی و همکاران، ۱۴۰۰؛ لاریجانی و ایزدی، ۱۴۰۲؛ دراهکی و همکاران، ۱۴۰۲). تحقیقات مذکور نشان داده‌اند که میان کیفیت زندگی و رضایت از زندگی و نگرش به فرزندآوری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. گرچه متغیر مستقل در تحقیقات مذکور، «کیفیت زندگی» بوده است، اما می‌توان گفت «ترس از طلاق» نیز به نوعی کیفیت زندگی را برای زوجین می‌کاهد. اما به هر حال، لازم است متغیر ترس از طلاق به صورت مستقیم بررسی شود.

از سویی دیگر، بگی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده‌اند که نگرانی از مشکلات فرزندان و آینده آنان، از مهم‌ترین علل افراد برای نخواستن فرزند است. البته در این تحقیق، بیشتر نگرانی‌های اقتصادی در خصوص آینده فرزندان مد نظر بوده است، نه نگرانی بابت مسائل عاطفی - تربیتی فرزندان بعد از طلاق.

مسئله دیگری که در این تحقیق مد نظر است، نقش دوستی با جنس مخالف یا نگرش به دوستی به جنس مخالف بر ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری است. گلزاری (۱۳۸۳) نشان داده است که روابط جنسی قبل از ازدواج در بافتهای فرهنگی مذهبی، با اضطرابها و تردیدهایی از جانب افراد همراه است. البته این تحقیق نیز به طور خاص، به ترس از طلاق یا بی‌میلی به فرزندآوری نپرداخته است. در تحقیق دیگری، خلج‌آبادی فراهانی (۱۳۹۱) دریافته است در کسانی که قبل از ازدواج روابط پیشرفته - با همسر یا غیر همسر - داشته‌اند، احتمال طلاق چند برابر است. اما در این تحقیق نیز «احتمال طلاق» بررسی شده؛ نه «ترس از طلاق»؛ زیرا این دو با هم متفاوت‌اند.

دسته‌ای دیگر از پژوهشها، تمایل به فرزندآوری را در دو جنس مقایسه کرده‌اند؛ بدون اینکه ترس از طلاق هم در کنار آنها بررسی شود. برخی نشان داده‌اند که تمایل به فرزندآوری در مردان بیشتر است (طاووسی و همکاران، ۱۳۹۶؛ بگی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ برخی دریافته‌اند که تمایل زنان برای فرزندآوری بیشتر است (لاریجانی و ایزدی، ۱۴۰۲) و برخی دیگر نشان داده‌اند که نگرشها و تمایلات دو جنس در این زمینه شبیه و یکسان است. (فروتن و کرمی، ۱۳۹۵)

برخی پژوهشگران، رابطه میان تحصیلات و نگرش به فرزندآوری را مطالعه کرده‌اند. در برخی از این پژوهشها مشخص شده است که با افزایش تحصیلات، گرایش به فرزندآوری کاهش می‌یابد (ایمان و همکاران، ۱۳۹۴؛ نیازی و همکاران، ۱۳۹۵؛ صیفوری طغراجردی و همکاران، ۱۳۹۸؛ عباسی و همکاران، ۱۴۰۱). برخی دیگر هم دریافته‌اند که افراد با تحصیلات بالاتر، تمایل بیشتری به

فرزند دارند؛ اما در نهایت، فرزند کمتری خواهند داشت (هیلاند<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوئسلولی و مورگان، ۲۰۰۳). برخی نیز رابطه‌ای میان تحصیلات و تمایلات باروری مشاهده نکرده‌اند (رسولزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵). بنابر این، یافته‌ها در این باره، متفاوت و گاه متناقض است.

برخی دیگر از تحقیقات نیز رابطه میان سن و تمایل به باروری را بررسی کرده‌اند. برخی نشان داده‌اند که با افزایش سن نگرش به باروری کاهش می‌یابد (مطلق و همکاران، ۱۳۹۵؛ فروتن و کرمی، ۱۳۹۵؛ طاووسی و همکاران، ۱۳۹۶) و برخی دیگر وجود رابطه مثبت بین سن و نگرش به باروری و رفتار باروری را گزارش کرده‌اند. (ملفت و همکاران، ۱۳۹۸؛ عباسی و همکاران، ۱۴۰۱)

در جمع‌بندی باید گفت که در تحقیقات پیشین، صرفاً رابطه میان برخی از متغیرهای فرعی تر تحقیق (جنس، سن و تحصیلات) به صورت مجزا با نگرش به فرزندآوری بررسی شده است؛ اما بر اساس این تحقیقات، نمی‌توان روابط میان آنها را تحلیل و بررسی کرد. از طرف دیگر، تحقیقی که رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری را بررسی کرده باشد، تاکنون انجام نشده است؛ در حالی که این موضوع مهمی است و نیاز به بررسی دارد. همچنین تحقیقی که رابطه میان دوستی با جنس مخالف و نگرش به دوستی با جنس مخالف را با فرزندآوری بررسی کرده باشد، مشاهده نشد؛ که این مورد نیز با توجه به شیوع نسبتاً بالای دوستی با جنس مخالف در جامعه (و پیامدهای قابل پیش‌بینی آن)، به طور جدی نیازمند پژوهش است. با توجه به خلأ پژوهشی، در تحقیق حاضر رابطه همه این متغیرها با هم و با نگرش به فرزندآوری مطالعه می‌شود و تحلیل جامع‌تری به دست می‌دهد. از جمله جنبه‌های نوآوری این تحقیق، بررسی رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری است.

## ۲. مبانی و چارچوب نظری

فرزند و فرزندآوری، ذیل موضوع تغییر ارزشهای خانواده قابل مطالعه است و خود ارزشهای خانواده نیز با توجه به تغییرات چند دهه اخیر خانواده در ایران قابل درک است. یکی از نظریه‌های مهم تبیین‌کننده تغییرات خانواده و ارزشهای آن، به ویژه فرزند و رفتار فرزندآوری، نظریه گذار دوم جمعیتی است.

نظریه گذار دوم جمعیتی که در اصل، نظریه‌ای برای تبیین باروری پایین در جوامع پیشرفته اواخر مدرن است، یکی از چارچوبهای تبیینی است که در ابتدا و بیشتر به منظور

1. Heiland

2. Quesnel-Vallée & Morgan

### رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری... ۳۷

تحلیل و تبیین تحولات رفتارهای جمعیتی و الگوهای نوظهور خانواده در کشورهای پیشرفته صنعتی غرب مطرح شد (وان دی کا، ۱۹۸۷<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳؛ لستیز و سورکین، ۱۹۸۸<sup>۲</sup>؛ لستیز و همکاران، ۲۰۰۸). این نظریه، تأکید بیشتری بر نقش تغییرات نگرشی و فرهنگی در شکل دادن به ایدئالهای فردی درباره خانواده و تبیین تحولات خانواده در کشورهای صنعتی، به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم دارد. کشورهای پیشرفته صنعتی به دنبال کاهش باروری و مرگ و میر در قرنهای ۱۹ و ۲۰، تحولات چشمگیر و گسترده‌ای را از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، در مناسبات خانوادگی، به ویژه با قطع ارتباط میان ازدواج و زاد و ولد تجربه کردند. برخی از صاحب‌نظران (وان دی کا، ۱۹۸۷، ۲۰۰۱؛ لستیز و سورکین، ۱۹۸۸)، تغییرات چشمگیر خانواده در کشورهای اروپای غربی را در نیمه دوم قرن بیستم، علایم مشخصه انتقال دوم جمعیتی خوانده‌اند.

اولین نشانه‌های گذار جمعیتی دوم، قبل از دهه ۱۹۵۰ آشکار شد. در کشورهای اسکاندیناوی و ایالت متحده، نرخهای طلاق افزایش یافت. بعدها و از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به بعد، باروری از حالت انفجاری شروع به کاهش کرد. علاوه بر این روند، سن به هنگام اولین ازدواج بالا رفته و نسبت مجردان شروع به افزایش کرد. یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در سطح خانواده، در ارتباط با گذار جمعیتی دوم، توسط لستیز و وان دی کا (۱۹۸۶) بر آن تأکید می‌شود، افزایش قابل ملاحظه زوج‌زیستی<sup>۳</sup> است. در فرانسه و انگلیس بیش از ۴۰ درصد همهٔ موالید، خارج از ازدواج به دنیا آمدند؛ در حالی که در سال ۱۹۶۰، این نسبت در این دو کشور، شش درصد بود. (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷: ۴۸)

ملازم با تغییرات در سطح جامعه، تغییراتی مهم‌تر در روابط جنسی، ازدواج، خانواده و فرزندآوری در این کشورها روی داده است. در واقع؛ در چند دههٔ آخر قرن بیستم در این کشورها، خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، دگرگون شد؛ تکالیف و تعهدات مرتبط با ازدواج رسمی و فرزندآوری دچار فرسایش شد. در کشورها و مناطقی که باروری زیر سطح جانشینی را تجربه می‌کنند، انتظار می‌رود که سن ازدواج، کاهش در میزانهای ازدواج، میزانهای طلاق و جدازیستی هم بالا رود. (همان: ۴۹)

تغییر رفتار فرزندآوری در جوامع غیر غربی (از جمله ایران)، با وجود تفاوت‌های فرهنگی، قابل تأمل و ملاحظه است. تغییر از خانوادهٔ گسترده به هسته‌ای، تغییر از ازدواجهای ترتیب

---

1. Van de Kaa  
2. Lesthaeghe & Surkyn  
3. Cohabitation

داده شده به ازدواجهای مبتنی بر عشق و خودانتخابی، افزایش سن ازدواج، تغییر روابط و مناسبات بین دختر و پسر، داشتن رابطه با جنس مخالف، کاهش فرزندآوری و ...، از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است. بنابر این، نشانه‌هایی از ورود ایران به مرحله گذار دوم جمعیتی مشهود است؛ از جمله اینکه در ایران، فرزندآوری و باروری در چند دهه اخیر پایین آمده و به سطح جانشینی و زیر سطح جانشینی رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بنابر این، تحت تأثیر گذار دوم جمعیتی، برخی ارزشهای خانواده در ایران دچار تغییراتی شده است؛ از جمله نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده تا حد زیادی تغییر کرده است. سن ازدواج بالا رفته، روابط و مناسبات دختر و پسر تغییر کرده، کاهش در فرزندآوری ایجاد شده و میزان طلاق نیز طی سالهای اخیر روند افزایشی داشته است.

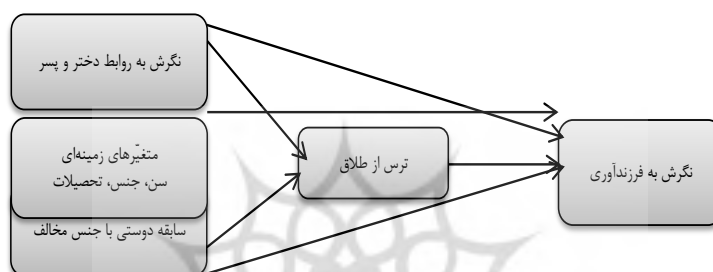
تغییرات فرهنگی اینگلهارت نیز چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل رفتار فرزندآوری پیش رو می‌گذارد. رویکرد اینگلهارت منبعث از مفهوم فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از باورها و ارزشهاست. اینگلهارت، کاهش نرخ ازدواج و درصدهای پایین افراد ازدواج کرده را در بافت حرکت کلی‌تر از ارزشهای مادی به ارزشهای فرامادی تعبیر می‌کند. از نظر اینگلهارت، نظام ارزشهای سنتی در غرب، باعث ایجاد نظام اقتصادی و اجتماعی باثبات و در ادامه، موجب توسعه سرمایه‌داری و رشد اقتصادی سریع شد. در نتیجه این رونق اقتصادی، ارزشهای فرامادی جایگزین ارزشهای مادی شدند. (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۵۹)

در نگاه اینگلهارت، خانواده و تأکید بر ثبات خانواده، با نیاز به ایمنی و امنیت ارتباط دارد و در نتیجه می‌توان آنها را به عنوان ارزشهای مادی گرایانه رتبه‌بندی کرد. زوج‌زیستی یا زندگی بدون شریک، نشان از یک شیوه زندگی فرامادی گرایانه دارد (هامپلوا، ۲۰۰۳: ۶). مضاف بر این، اینگلهارت معتقد است تحصیلات، شاخصی از امنیت است و بنابر این، افراد با تحصیلات بالاتر باید فرامادی‌گراتر باشند. این گرایش، بیشتر با این واقعیت تقویت شده است که افراد با تحصیلات بیشتر عموماً عضو شبکه‌های ارتباطی خاصی اند که در آنها ارزشهای لیبرال حاکم است (حبیب‌پور، ۱۳۸۵: ۲۱). جامعه ایران در چند سال اخیر شاهد افزایش و گرایش افراد به تحصیلات بوده است. تحصیلات باعث تغییرات ارزشی و نگرشی افراد به مقولاتی همچون فرزند و نگرش به فرزندآوری شده است. بنابر این، در تحولات ایده‌ها و ارزشهای یک جامعه، همچون تغییر سن ازدواج، تغییر مناسبات دختر و پسر، تغییر در باروری

### رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری... ۳۹

و...، علاوه بر نظریه گذار دوم جمعیتی، نظریه اینگلههارت (۲۰۰۳) نیز بسیار مفید و حائز اهمیت است.

با توجه به پیشینه پژوهش و چارچوب نظری ارائه شده، متغیرهای مطرح شده و نحوه ارتباط آنها و تأثیرگذاری شان بر نگرش به فرزندآوری، در مدل نظری ذیل نشان داده شده است.



#### نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

بر اساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق می توان چنین فرض کرد که، هرچه نگرش به روابط دختر و پسر در بین افراد افزایش یابد، به دلیل اینکه ترس از طلاق افزایش می یابد، نگرش مثبت به فرزندآوری کاهش خواهد یافت. همچنین فرض بر این است که افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف داشته اند، در زندگی مشترک، ترس از طلاق بیشتری داشته و به همین دلیل، با افزایش ترس از طلاق، نگرش مثبت آنان به فرزندآوری کاهش خواهد یافت. در خصوص متغیرهای زمینه ای تحقیق نیز می توان گفت فرض بر آن است که با افزایش سن، نگرش مثبت افراد به فرزندآوری کاهش خواهد یافت. همچنین، تحصیلات باعث تغییرات ارزشی و نگرشی افراد به مقولاتی چون فرزند و نگرش به فرزندآوری می شود. بنابر این، فرض بر آن است که با افزایش تحصیلات، نگرش مثبت افراد به فرزندآوری کاهش خواهد یافت. در نهایت، فرض می شود زنان در مقایسه با مردان، نگرش مثبت تری به فرزندآوری دارند.

### ب) روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در زمره تحقیقات پیمایش مقطعی است و از نظر هدف، تحقیقی کاربردی به شمار می‌آید. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه ساخت یافته استفاده شد که در سال ۱۴۰۲ به انجام رسیده است. برای بررسی پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ و برای بررسی روایی پرسشنامه، از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و همچنین تحلیل عاملی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل زنان و مردان دارای همسر ۴۵-۲۰ ساله ساکن شهر تهران در سه منطقه ۱، ۸ و ۱۸ است.

با توجه به اینکه مطالعه کل مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بسیار زمان‌بر و هزینه‌بر است؛ بنابراین، از بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، سه منطقه ۱، ۸ و ۱۸ در نظر گرفته شده است. برای این دسته‌بندی از مقاله «الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران» نوشته صادقی و زنجری (۱۳۹۹) استفاده شده است. در این مقاله، منطقه ۱ به عنوان منطقه توسعه یافته، منطقه ۸ به عنوان منطقه‌ای با توسعه‌یافتگی متوسط و منطقه ۱۸ به عنوان منطقه توسعه نیافته در نظر گرفته شده است.

بنابراین، جامعه آماری تحقیق شامل زنان و مردان دارای همسر ۴۵-۲۰ ساله ساکن شهر تهران در سه منطقه ۱، ۸ و ۱۸ است. بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تعداد زنان و مردان دارای همسر در این سه منطقه برابر با ۳۷۴۹۸۶ نفر بوده است. (جدول ۱)

جدول ۱: توزیع جمعیت زنان و مردان ازدواج کرده به تفکیک مناطق یک، هشت و هجده، ۱۳۹۵

| مناطق    | کل     |       | زنان   |      | مردان  |      |
|----------|--------|-------|--------|------|--------|------|
|          | تعداد  | درصد  | تعداد  | درصد | تعداد  | درصد |
| منطقه ۱  | ۱۰۵۵۲۸ | ۲۸/۱  | ۵۹۱۲۷  | ۵۶/۰ | ۴۶۴۰۱  | ۴۴/۰ |
| منطقه ۸  | ۱۱۷۳۵۶ | ۳۱/۳  | ۶۴۷۷۴  | ۵۵/۲ | ۵۲۵۸۲  | ۴۴/۸ |
| منطقه ۱۸ | ۱۵۲۱۰۲ | ۴۰/۶  | ۸۰۶۰۴  | ۵۳/۰ | ۷۱۴۹۸  | ۴۷/۰ |
| کل       | ۳۷۴۹۸۶ | ۱۰۰/۰ | ۲۰۴۵۰۵ | ۵۴/۵ | ۱۷۰۴۸۱ | ۴۵/۵ |

منبع: پردازش از داده‌های سرشماری شهر تهران، ۱۳۹۵

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی، از روشهای طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بوده است. بدین شکل که ابتدا جمعیت زنان و مردان دارای همسر ۴۵-۲۰ ساله مناطق ۱، ۸ و ۱۸ شهر تهران (۳۷۴۹۸۶ نفر) در نظر گرفته شدند و سپس به تناسب جمعیت هر منطقه، تعداد نمونه هر منطقه مشخص شد.

#### رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری... ۴۱

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، از کل جمعیت زنان و مردان دارای همسر ۴۵- ۲۰ ساله شهر تهران، ۲۸/۱ درصد آنان در منطقه ۱، ۳۱/۳ درصد در منطقه ۸ و ۴۰/۶ درصد در منطقه ۱۸ قرار داشتند. بنابر این، از روی توزیع درصد در هر منطقه، توزیع جمعیت در آن منطقه محاسبه شد. بر این اساس، تعداد نمونه در منطقه ۱، ۱۰۸ نفر؛ در منطقه ۸، ۱۲۰ نفر و در منطقه ۱۸، ۱۵۶ نفر برآورد شد. در ادامه با توجه به اینکه سهم زنان در منطقه ۱، ۵۶ درصد و سهم مردان ۴۴ درصد بود، از نمونه ۱۰۸ نفره متعلق به منطقه ۱، ۶۰ نفر به زنان و ۴۸ نفر به مردان اختصاص پیدا کرد. همچنین از نمونه ۱۲۰ نفره متعلق به منطقه ۸، ۶۶ نفر به زنان و ۵۴ نفر به مردان اختصاص یافت و در منطقه ۱۸ نیز از نمونه ۱۵۶ نفره، ۸۳ نفر به زنان و ۷۳ نفر به مردان اختصاص پیدا کرد و بدین ترتیب، نمونه ۳۸۴ نفری تحقیق، در سه منطقه تکمیل شد. (جدول ۲)

جدول ۲: تعداد نمونه به تفکیک زنان و مردان دارای همسر بر اساس منطقه محل سکونت

| مناطق    | تعداد نمونه | زنان | مردان |
|----------|-------------|------|-------|
| منطقه ۱  | ۱۰۸         | ۶۰   | ۴۸    |
| منطقه ۸  | ۱۲۰         | ۶۶   | ۵۴    |
| منطقه ۱۸ | ۱۵۶         | ۸۳   | ۷۳    |
| کل       | ۳۸۴         | ۲۰۹  | ۱۷۵   |

منبع: پردازش از داده های سرشماری شهر تهران، ۱۳۹۵

در این مطالعه، متغیرهای ترس از طلاق، نگرش به روابط دختر و پسر، سابقه دوستی با جنس مخالف، جنس، سن و تحصیلات متغیرهای مستقل به شمار می روند. متغیر وابسته نیز، نگرش به فرزندآوری است.

برای سنجش متغیر نگرش به فرزندآوری، از ۱۴ گویه (تقویت پیوند زن و شوهر با فرزندان؛ فرزندان عامل بقای نسل؛ فرزندان عامل عدم تنهایی در پیری؛ فرزندان عامل احساس شادی و غرور والدین؛ فرزندان عامل کاهش عشق و سرور درون خانواده؛ فرزندان عامل فشارهای روحی و روانی والدین؛ عامل بازدارنده والدین از کارهای مورد علاقه؛ فرزندان عامل کاهش توجه به همسر؛ عامل ایجاد فشار مالی بر خانواده؛ عامل کاهش پس انداز مالی؛ عامل کاهش فرصت های شغلی زنان؛ نداشتن فرزند به سبب هزینه پرورش فرزند؛ فرزند زیاد کمک خوبی برای داشتن درآمد خانواده در آینده و افزایش موقعیت اقتصادی خانواده) استفاده شده که طیف آن به صورت ترتیبی از کاملاً مخالفم (کد ۱) تا کاملاً موافقم (کد ۵) است. مطابق نتایج جدول ۳، مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ برای

متغیر نگرش به فرزندآوری برابر با ۰/۸۴۱ است. همچنین، برای سنجش روایی گویه‌های متغیر نگرش به فرزندآوری، از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و همچنین تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدّ نظر قابل، تقلیل به یک عامل زیربنایی می‌باشند. بنابر این، گویه‌های مربوط به شاخص مدّ نظر، از میزان پایایی و روایی مناسب برای سنجش این شاخص برخوردارند. برای به دست آوردن و سنجش متغیر نگرش به فرزندآوری، ۱۴ گویه با یکدیگر جمع شده است. بدین ترتیب، متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای نگرش مثبت به فرزندآوری و نمره پایین به معنای نگرش منفی به فرزندآوری است.

برای سنجش متغیر نگرش به روابط دختر و پسر، از ۹ گویه (لزوم وجود روابط دوستانه دختر و پسر؛ وجود رابطه جنسی قبل از ازدواج؛ آسیب رساندن دوستی دختر و پسر به نهاد خانواده و ازدواج؛ اثر مثبت روابط دوستانه دختر و پسر بر تشکیل زندگی موفق؛ لطمه زدن دوستی و روابط دختر و پسر بر زندگی آینده؛ منجر شدن بیشتر دوستی‌ها به ازدواج؛ داشتن روابط دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج؛ خوب بودن رابطه جنسی قبل از ازدواج و تأثیر دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج در شناخت طرف مقابل) استفاده شده که طیف آن به صورت ترتیبی از کاملاً مخالفم (کد ۱) تا کاملاً موافقم (کد ۵) است. مطابق نتایج جدول ۳، مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ برای متغیر نگرش به روابط دختر و پسر برابر با ۰/۹۰۷ است. همچنین برای سنجش روایی گویه‌های متغیر نگرش به روابط دختر و پسر، از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و همچنین تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدّ نظر، قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی می‌باشند. بنابر این، گویه‌های مربوط به شاخص مدّ نظر از میزان پایایی و روایی مناسب برای سنجش این شاخص برخوردارند. برای به دست آوردن و سنجش متغیر نگرش به روابط دختر و پسر، ۹ گویه با یکدیگر جمع شده است. بدین ترتیب، متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای نگرش مثبت به روابط دختر و پسر و نمره پایین به معنای نگرش منفی به روابط دختر و پسر است.

برای سنجش متغیر ترس از طلاق، از هفت گویه (درگیر شدن ذهنم به مسئله طلاق هر وقت با همسرم دچار بگومگو می‌شویم؛ سکوت در بسیاری از موارد به دلیل ترس از اینکه کار به جای باریک بکشد؛ گاهی احساس می‌کنم همسرم به من کم‌محلی می‌کند؛ بهتر است پس‌اندازی داشته باشم تا زمانی که لازم بود بتوانم به لحاظ مالی روی پای خودم بایستم؛

#### رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری ... ۴۳

گاهی فکر می‌کنم انتخاب من اشتباه بوده و ممکن است زندگی ما خیلی دوام نیاورد؛ احساس درماندگی از کسب رضایت همسرم و داشتن او برای همیشه؛ مطمئن نبودن به آینده زندگی مشترک‌مان) استفاده شده که طیف آن به صورت ترتیبی از کاملاً مخالفم (کد ۱) تا کاملاً موافقم (کد ۵) است. مطابق نتایج جدول ۳، مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ برای متغیر ترس از طلاق برابر با ۰/۸۱۹ است. همچنین برای سنجش روایی گویه‌های متغیر ترس از طلاق، از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مد نظر، قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی می‌باشند. بنابر این، گویه‌های مربوط به شاخص مد نظر، از میزان پایایی و روایی مناسب برای سنجش این شاخص برخوردارند. برای به دست آوردن و سنجش متغیر ترس از طلاق، هفت گویه با یکدیگر جمع شده است. بدین ترتیب، متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای ترس از طلاق بیشتر و نمره پایین به معنای ترس از طلاق کمتر است. برای سنجش متغیر سابقه دوستی با جنس مخالف، از پاسخگویان پرسیده شد که: آیا با جنس مخالف دوستی داشتید؟ پاسخ خیر با کد یک و بله با کد صفر مشخص شده است. بنابر این، متغیر سابقه دوستی با جنس مخالف، در مقیاس اسمی دو گزینه‌ای است. برای سنجش متغیر سن، از فرد پاسخگو پرسیده شده است که چند سال دارد؟ متغیر تحصیلات نیز به دو صورت ترتیبی (۱. زیر دیپلم، ۲. دیپلم، ۳. کاردانی، ۴. کارشناسی، ۵. کارشناسی ارشد و بالاتر) و فاصله‌ای و با پرسش از تعداد کلاسهای که فرد به صورت رسمی در مدارس و دانشگاهها درس خوانده است، پرسش شده است. متغیر جنس نیز یک متغیر اسمی دو گزینه‌ای است؛ زنان با کد یک و مردان با کد صفر در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۳: تعداد، اعتبار و ضریب پایایی گویه‌های متغیرهای پژوهش

| نام متغیر                | تعداد گویه‌ها | تحلیل عاملی                       |              | مقدار آلفای کرونباخ |
|--------------------------|---------------|-----------------------------------|--------------|---------------------|
|                          |               | مقدار کیزو-میر-الکین <sup>۱</sup> | آزمون بارتلت |                     |
| نگرش به فرزندآوری        | ۱۴            | ۰/۸۳۱                             | ۱۷۸۵/۶۰۳     | ۰/۸۴۱               |
| ترس از طلاق              | ۷             | ۰/۷۸۳                             | ۱۷۴۲/۷۳۲     | ۰/۸۱۹               |
| نگرش به روابط دختر و پسر | ۹             | ۰/۹۲۸                             | ۲۱۶۳/۵۴۷     | ۰/۹۰۷               |

برای سنجش روابط دو متغیر بین متغیر وابسته تحقیق که شبه‌فاصله‌ای است (نگرش به فرزندآوری) و متغیرهای مستقلی که در مقیاس فاصله‌ای و شبه‌فاصله‌ای‌اند (ترس از طلاق، نگرش به روابط دختر و پسر، سن و تحصیلات)، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده

<sup>۱</sup> KMO

است. همچنین برای سنجش رابطه دو متغیره بین متغیر وابسته تحقیق و متغیر جنس و سابقه دوستی که در مقیاس اسمی دو گزینه‌ای‌اند، از آزمون تی با دو نمونه مستقل استفاده شده است. برای سنجش تحلیل چندمتغیره بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است.

### ج) یافته‌های پژوهش

توزیع نمونه تحقیق بر حسب گروه‌های سنی، حاکی از آن است که ۲۲ نفر، معادل ۵/۷ درصد، در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال؛ ۶۶ نفر (۱۷/۲ درصد) در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال، ۱۰۸ نفر (۲۸/۱ درصد) در گروه سنی ۳۰-۳۴ سال، ۱۰۳ نفر (۲۶/۸ درصد) در گروه سنی ۳۵-۳۹ سال و ۸۵ نفر (۲۲/۱ درصد) در گروه سنی ۴۰-۴۴ سال قرار دارند. گفتنی است که تقسیم‌بندی نمونه آماری در گروه‌های سنی مختلف، با توجه به نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران و کاملاً منطبق با آن است. میانگین سنی نمونه تحقیق، ۳۳/۲ سال است.

۲۳ نفر، معادل شش درصد نمونه تحقیق، تحصیلات زیر دیپلم؛ ۹۴ نفر (۲۴/۵ درصد) تحصیلات دیپلم؛ ۸۰ نفر (۲۰/۸ درصد) تحصیلات کاردانی؛ ۱۰۹ نفر (۲۸/۴ درصد) تحصیلات کارشناسی و ۷۸ نفر (۲۰/۳ درصد) تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر دارند. بنابر این، تحصیلات حدود ۸۰ درصد نمونه تحقیق، کارشناسی و پایین‌تر از آن است.

جدول ۴، آزمون رابطه دو متغیره بین متغیر نگرش به فرزندآوری و برخی از متغیرهای مستقل (سن، تحصیلات، نگرش به روابط دختر و پسر و ترس از طلاق) را نشان می‌دهد. برای سنجش رابطه بین متغیرهای مستقل و نگرش به فرزندآوری، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. مطابق نتایج جدول ۴، رابطه بین سن و نگرش به فرزندآوری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. جهت رابطه، معکوس است؛ بدین معنا که با افزایش سن افراد، نگرش مثبت آنان به فرزندآوری کاهش می‌یابد.

رابطه بین تحصیلات و نگرش به فرزندآوری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. جهت رابطه، معکوس است؛ بدین معنا که با افزایش تحصیلات، نگرش مثبت به فرزندآوری کاهش می‌یابد. رابطه بین نگرش به رابطه دختر و پسر و نگرش به فرزندآوری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. جهت رابطه، معکوس است؛ بدین معنا که با افزایش نگرش مثبت به رابطه دختر و پسر، نگرش مثبت به فرزندآوری کاهش می‌یابد. همچنین رابطه بین ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. جهت رابطه، معکوس است؛ بدین معنا که با افزایش ترس از طلاق، نگرش مثبت به فرزندآوری کاهش می‌یابد. (جدول ۴)

رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری ... ۴۵

جدول ۴: رابطه بین برخی متغیرهای مستقل و نگرش به فرزندآوری

| سطح معناداری | ضریب همبستگی | برخی متغیرهای مستقل      |
|--------------|--------------|--------------------------|
| ۰/۰۰۱        | -۰/۴۷۲       | سن                       |
| ۰/۰۰۱        | -۰/۵۷۹       | تحصیلات                  |
| ۰/۰۰۰        | -۰/۶۸۳       | نگرش به رابطه دختر و پسر |
| ۰/۰۰۰        | -۰/۶۱۷       | ترس از طلاق              |

جدول ۵، رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل جنس و سابقه دوستی با جنس مخالف را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه متغیرهای جنس و سابقه دوستی با جنس مخالف، در مقیاس اسمی دو گزینه‌ای‌اند، از آزمون تی با دو نمونه مستقل استفاده شده است. در خصوص رابطه بین جنس و نگرش به فرزندآوری، نتایج آزمون تی ( $t=9/356$  و  $Sig=0/021$ ) گویای آن است که میانگین‌های دو گروه زنان و مردان، تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میانگین نگرش به فرزندآوری با هم تفاوت دارند. میانگین نمره نگرش به فرزندآوری برای مردان برابر با  $53/6914$  و میانگین نمره نگرش به فرزندآوری برای زنان برابر با  $55/5130$  است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانگین نمره نگرش به فرزندآوری در بین زنان بیش از مردان است و اختلاف این میانگین برابر با  $1/8216$  می‌باشد. (جدول ۵)

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین‌های نگرش به فرزندآوری بر حسب طبقات متغیرهای مستقل

| متغیر                    | طبقات متغیر | میانگین نگرش به فرزندآوری | آزمون تی | سطح معناداری |
|--------------------------|-------------|---------------------------|----------|--------------|
| جنس                      | زن          | ۵۵/۵۱۳۰                   | ۹/۳۵۶    | ۰/۰۲۱        |
|                          | مرد         | ۵۳/۶۹۱۴                   |          |              |
| سابقه دوستی با جنس مخالف | بله         | ۵۴/۱۰۰۰                   | ۱۱/۵۷۳   | ۰/۰۰۷        |
|                          | خیر         | ۵۶/۷۵۰۵                   |          |              |

در خصوص رابطه بین سابقه دوستی با جنس مخالف و نگرش به فرزندآوری، نتایج آزمون تی ( $t=11/573$  و  $Sig=0/007$ ) گویای آن است که میانگین‌های دو گروه افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف داشته و افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف نداشته‌اند، تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۹ درصد، در میانگین نگرش به فرزندآوری با هم تفاوت دارند. میانگین نمره نگرش به فرزندآوری برای افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف داشته، برابر با  $54/1000$  و میانگین نمره نگرش به فرزندآوری برای افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف نداشته، برابر با  $56/7505$  است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانگین نمره نگرش به فرزندآوری در بین افرادی که سابقه

دوستی با جنس مخالف نداشته بیش از افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف داشته‌اند و اختلاف این میانگین برابر با ۲/۶۵۰۵ است. (جدول ۵)

برای بررسی تأثیر همزمان تمامی متغیرهای تحقیق بر نگرش به فرزندآوری، از تکنیک رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. برای فهم دقیق‌تر، این تحلیل در قالب دو مدل آورده شده است. در مدل اول، متغیرهای زمینه‌ای شامل جنس، سن و تحصیلات وارد معادله شده است. در مدل دوم، علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، سه متغیر نگرش به رابطه دختر و پسر، ترس از طلاق و سابقه دوستی با جنس مخالف وارد مدل شده و تأثیر همزمان تمامی متغیرها روی متغیر وابسته، آزمون شده است.

در مدل اول متغیر جنس، سن و تحصیلات وارد معادله شده است. متغیر جنس دارای رابطه معناداری با نگرش به فرزندآوری است. مقدار بتای به دست آمده برای این متغیر، مثبت است؛ بدین معنا که زنان در مقایسه با مردان نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری دارند. متغیر سن، رابطه معناداری با نگرش به فرزندآوری دارد. مقدار بتای به دست آمده برای این متغیر، منفی است؛ این بدین معناست که با افزایش سن افراد، نگرش مثبت افراد به فرزندآوری کاهش می‌یابد. همچنین متغیر تحصیلات نیز دارای رابطه معناداری با نگرش به فرزندآوری است. مقدار بتای به دست آمده برای این متغیر نیز منفی است؛ بدین معنا که با افزایش تحصیلات افراد، نگرش مثبت آنان به فرزندآوری کاهش می‌یابد. مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها ۰/۴۰۶ و مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۱۳۷ می‌باشد و نشان‌دهنده این است که متغیرهای تحقیق توانسته‌اند ۱۳/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (نگرش به فرزندآوری) را تبیین کنند. (جدول ۶)

در مدل دوم، علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، سه متغیر نگرش به رابطه دختر و پسر، ترس از طلاق و سابقه دوستی با جنس مخالف وارد مدل شده و تأثیر همزمان تمامی متغیرها بر روی متغیر وابسته آزمون شده است. متغیر نگرش به رابطه دختر و پسر رابطه معناداری با نگرش به فرزندآوری دارد. مقدار بتای به دست آمده برای این متغیر منفی است؛ این بدین معناست که با افزایش نگرش مثبت به رابطه دختر و پسر، نگرش مثبت به فرزندآوری کاهش می‌یابد. همچنین، متغیر ترس از طلاق نیز دارای رابطه معناداری با نگرش به فرزندآوری است. مقدار بتای به دست آمده برای این متغیر نیز منفی است؛ بدین معنا که با افزایش ترس از طلاق، نگرش مثبت به فرزندآوری کاهش می‌یابد. در نهایت، متغیر سابقه دوستی با جنس مخالف دارای رابطه معناداری با نگرش به فرزندآوری است. مقدار بتای به دست آمده برای این

رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری ... ۴۷

متغیر، مثبت است؛ بدین معنا که افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف ندارند، نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری دارند. (جدول ۶)

جدول ۶: تحلیل چندمتغیره متغیرهای پژوهش با نگرش به فرزندآوری با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

| مدل ۲ |        |        | مدل ۱ |        |        | متغیرهای مستقل                          |
|-------|--------|--------|-------|--------|--------|-----------------------------------------|
| sig   | T      | Beta   | sig   | T      | Beta   |                                         |
| ۰/۰۰۹ | ۳/۶۰۵  | ۰/۳۶۴  | ۰/۰۳۹ | ۲/۵۲۴  | ۰/۲۱۴  | جنس (زن=۱، مرد=۰)                       |
| ۰/۰۱۶ | -۳/۳۹۴ | -۰/۳۰۶ | ۰/۰۰۰ | -۵/۶۳۶ | -۰/۳۸۵ | سن                                      |
| ۰/۰۰۰ | -۴/۷۴۴ | -۰/۴۰۶ | ۰/۰۰۰ | -۷/۳۸۹ | -۰/۴۶۲ | تحصیلات                                 |
| ۰/۰۰۰ | -۷/۵۶۸ | -۰/۵۷۵ |       |        |        | نگرش به رابطه دختر و پسر                |
| ۰/۰۰۰ | -۵/۳۹۴ | -۰/۴۹۷ |       |        |        | ترس از طلاق                             |
| ۰/۰۰۰ | ۶/۷۴۳  | ۰/۵۴۴  |       |        |        | سابقه دوستی با جنس مخالف (خیر=۱، بله=۰) |
|       | Enter  |        |       | Enter  |        | Method                                  |
|       | ۰/۷۶۸  |        |       | ۰/۴۰۶  |        | R                                       |
|       | ۰/۳۲۶  |        |       | ۰/۱۳۷  |        | Adjusted R Square                       |
|       | ۲۳/۶۱۴ |        |       | ۱۴/۵۲۰ |        | F                                       |
|       | ۰/۰۰۰  |        |       | ۰/۰۰۰  |        | Sig                                     |

مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها، ۰/۷۶۸ و مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۲۶ می‌باشد و نشان‌دهنده این است که متغیرهای تحقیق توانسته‌اند ۳۲/۶ درصد تغییرات متغیر وابسته (نگرش به فرزندآوری) را تبیین کنند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده با ورود این سه متغیر، حدود ۱۹ درصد افزایش یافته است (از ۱۳/۷ درصد به ۳۲/۶ درصد) که حاکی از اهمیت سه متغیر نگرش به روابط دختر و پسر، داشتن سابقه دوستی با جنس مخالف و ترس از طلاق است. متغیر نگرش به رابطه دختر و پسر با ضریب ۰/۵۷۵، متغیر سابقه دوستی با جنس مخالف با ضریب ۰/۵۴۴، متغیر ترس از طلاق با ضریب ۰/۴۹۷ و متغیر تحصیلات با ضریب ۰/۴۰۶، به ترتیب، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های نگرش به فرزندآوری‌اند. متغیرهای جنس و سن در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند. (جدول ۶)

#### د) بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مسائل جدی کشور ما در دهه‌های اخیر، کاهش جمعیت است که خود معلول کاهش گرایش به فرزندآوری و در نتیجه، تغییر در کنشهای فرزندآوری است. هرگونه سیاستگذاری در راستای بهبود وضعیت باروری در ایران، مستلزم شناخت دقیق علل و عوامل آن است. در این تحقیق، رابطه میان متغیرهای ترس از طلاق، نگرش به روابط دختر و پسر، سابقه دوستی

با جنس مخالف، جنسیت، سن و تحصیلات با متغیر وابسته نگرش به فرزندآوری مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها نشان داد که افزایش نگرش مثبت به رابطه دختر و پسر، منجر به کاهش نگرش مثبت به فرزندآوری می‌شود. همچنین مشخص شد افرادی که سابقه دوستی با جنس مخالف دارند نیز نگرش منفی‌تری به فرزندآوری دارند. این امر نشانگر این است که دامنه تأثیرات منفی روابط خارج از چارچوب ازدواج با جنس مخالف، محدود به دوران مجردی نیست و پس از ازدواج نیز ادامه دارد و حتی فرزندآوری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع؛ روابط نامناسب قبل از ازدواج، می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی به جنس مخالف و نیز، بدبینی و تردید نسبت به طرف مقابل در روابط جدید شود. اعتماد و آرامش، از لوازم رضایت در هر زندگی است؛ تنشهای ناشی از بی‌اعتمادی، رضایت زناشویی را در زوجین می‌کاهد. با کاهش کیفیت و رضایت زناشویی، روابط زوجین شکننده و ناپایدار خواهد شد و احتمال طلاق افزایش خواهد یافت؛ در این شرایط، طبیعی است که تمایل زوجین به فرزندآوری کاهش می‌یابد. همچنان که بخش دیگری از تحقیق روشن کرد که ترس از طلاق نیز از عوامل مهم کاهش نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری است. زوجینی که امید چندانی به تداوم زندگی مشترک ندارند و دائماً نگران از هم پاشیدن خانواده و مشکلات ناشی از آن می‌باشند، طبیعتاً نمی‌توانند آینده مناسبی را برای فرزند خود پیش‌بینی کنند و هیچ والدینی تمایل ندارند فرزند خود را وارد فضایی آکنده از مشکلات کنند.

همسو با یافته این تحقیق، خلیج‌آبادی و شجاعی (۱۳۹۲)، ژوزه و همکاران (۲۰۱۰)، کمپل و همکاران (۲۰۱۰) و کمپل و استانتون (۲۰۱۹) نیز نشان داده‌اند که معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج، منجر به کاهش کیفیت زندگی در آینده و افت رضایت زناشویی در زوجین خواهد شد؛ که این امر نیز به نوبه خود، پایداری زندگی مشترک را به خطر می‌اندازد (تیرگری و همکاران، ۱۳۸۵). لذا کسانی که تجربه معاشرت قبل از ازدواج داشته‌اند، به طور معناداری بیش از بقیه در شرف طلاق می‌باشند (خلیج‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۱). در نهایت، با افزایش رضایت از زندگی زناشویی زنان، تعداد فرزندان خانواده افزایش می‌یابد. (دراهمی، ۱۴۰۲)

تا اینجا می‌توان نتیجه گرفت که با آموزشهای مناسب و غنی و آگاهی‌بخشی بیشتر به جوانان درباره پیامدهای درازمدت روابط پرخطر با جنس مخالف، می‌توان آرامش و سلامت روان بیشتری برای خود دختر و پسر تأمین کرد. به علاوه، بنیاد خانواده‌ها را تحکیم کرد و روند فرزندآوری را در یک خانواده سرشار از آرامش و محبت، بهبود بخشید. همچنین

تدارک حمایت‌های لازم و ایجاد فرصت‌های مشاوره خانواده (با کیفیت بالا و هزینه کم) برای زوجینی که دچار تنش‌های ارتباطی و نارضایتی در زندگی‌اند، علاوه بر کاهش آمار طلاق و تحکیم بنیان خانواده‌ها، می‌تواند زمینه فرزندآوری و تربیت فرزندان سالم و شاد را - به عنوان اعضای مفید برای جامعه - فراهم کرد.

در بخش دیگری از این تحقیق مشخص شد که با افزایش سن افراد، نگرش مثبت آنان به فرزندآوری کاهش می‌یابد. این یافته با یافته تحقیقات مطلق و همکاران (۱۳۹۵)، فروتن و کرمی (۱۳۹۵) و طاووسی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است؛ گرچه با نتیجه تحقیق ملتفت و همکاران (۱۳۹۸) و عباسی و همکاران (۱۴۰۱) ناهمسو است. طبیعتاً زوجین در اوایل زندگی مشترک و زمانی که در اوج جوانی‌اند، تمایل به فرزندآوری دارند. با افزایش سن و با پشت سر نهادن دوره‌هایی از زندگی، آنها از یک سو تعداد فرزندان مد نظر خود را به خانواده افزوده‌اند؛ از سوی دیگر نیز شرایط جسمی و روانی لازم برای فرزندآوری با افزایش سن رو به کاهش می‌گذارد. لذا طبیعی است که با افزایش سن، نگرش به فرزندآوری کاهش یابد. از طرفی، ممکن است نگرانی بابت مشکلات احتمالی برای فرزندآوری در سن بالاتر نیز در این امر دخیل باشد که از طریق آگاهی‌بخشی عمومی و مشاوره‌های پزشکی برای زوجینی که در سنین بالاتر تمایل به فرزندآوری دارند، می‌توان نگرانی‌های بی‌مورد را رفع کرد؛ به خصوص که امروزه با بالا رفتن سن ازدواج، بسیاری از زوجین به ناچار در سنین بالاتری باید اقدام به فرزندآوری کنند و رفع نگرانی از بابت جنبه‌های سلامتی مادر و کودک، می‌تواند فرصت پدر و مادر شدن را برای آنان تسهیل کند.

از دیگر یافته‌های تحقیق حاضر این بود که زنان در مقایسه با مردان، نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری دارند. این یافته در راستای یافته تحقیق لاریجانی و ایزدی (۱۴۰۲) و ناهمسو با یافته طاووسی و همکاران (۱۳۹۶) و بگی و همکاران (۱۴۰۰) است. به نظر می‌رسد وجود دغدغه‌های اقتصادی برای فرزندپروری در این مسئله دخیل باشد؛ زیرا در کشور ما تأمین هزینه‌های اقتصادی همسر و فرزندان، در اصل بر عهده مردان است. با عنایت به هزینه‌های بسیار سنگین فرزندآوری و فرزندپروری، سیاستگذاری و برنامه‌های مناسب برای حمایت مالی از والدین می‌تواند بخشی از دغدغه‌های زوجین، به خصوص مردها را در این زمینه کاهش دهد و در راستای حمایت از فرزندآوری و افزایش جمعیت، مؤثر باشد.

همچنین در تحقیق حاضر مشخص شد که با افزایش تحصیلات افراد، نگرش مثبت آنان به فرزندآوری کاهش می‌یابد. این یافته نیز با یافته‌های ایمان و همکاران (۱۳۹۴)، نیازی و

همکاران (۱۳۹۵)، صیفوری طغراجریدی و همکاران (۱۳۹۸) و عباسی و همکاران (۱۴۰۱) همسو است. به نظر می‌رسد افزایش تحصیلات از چند طریق می‌تواند تمایل به فرزندآوری را تحت‌الشعاع قرار دهد. با افزایش سطح تحصیلات، امکان و تمایل آنها به اشتغال می‌تواند افزایش یابد و در نتیجه، فرصت برای فرزندآوری و فرزندپروری کاهش یابد. به ویژه، ورود روزافزون زنان به بازار کار، زمان زیادی از عمر آنان را صرف امورات شغلی (و نه خانوادگی) می‌کند. از طرفی، افزایش تحصیلات افراد می‌تواند با تقویت تفکرات مدرنیستی همراه باشد و افراد را به سمت ارجحیت رشد فردی بر مسائل خانوادگی (از جمله فرزندآوری) سوق دهد. همچنان‌که ملتفت و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده‌اند که بین میزان تحصیلات و سبک زندگی مدرن با رفتار باروری رابطه منفی وجود دارد. این یافته‌ها بر ضرورت آموزشهای مناسب از اوان کودکی را برای پرورش هویت خانوادگی و اجتماعی و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کنار رشد شخصی تأکید می‌کنند. جوانان ما باید بتوانند اهم و مهم را از هم تشخیص دهند و قادر به اولویت‌بندی اهداف و برنامه‌های زندگی خود باشند. با آموزشهای مناسب از دوران کودکی تا بزرگسالی می‌توان روند فردگرایی را مدیریت کرد و اعضای جامعه را آراسته به فضایی همچون آینده‌نگری، دیگرمراقبتی و ایثار و فداکاری، تربیت کرد.

نتیجه کلی این تحقیق آن است که برای زمینه‌سازی و تشویق فرزندآوری و البته داشتن نسلی سالم و مفید، باید همه عوامل مؤثر را در نظر داشت.

#### پیشنهادهای

- اقدامات تربیتی فرهنگی مبنی بر اصلاح نگرش نوجوانان و جوانان در ارتباط با تأثیرات و پیامدهای چگونگی روابط بین فردی بر سلامت روحی روانی و به ویژه، تأثیرات بلندمدت آن در زندگی (داشتن یک زندگی خانوادگی موفق و حتی فرزندآوری و رسیدن به اهداف اجتماعی) و در نتیجه، درک ضرورت مدیریت روابط بین دختر و پسر.
- طراحی و اجرای برنامه‌های جدی برای آموزش (توجیه دقیق و علمی)، تشویق و تسهیل ازدواج، برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی، به منظور مقابله با مسائلی همچون تأخیر در ازدواج، کاهش گرایش به ازدواج، جهت‌گیری افراطی به سوی ادامه تحصیل به عنوان اولویت اول زندگی و کم‌اهمیتی نسبت به امر ازدواج و فرزندآوری.

رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری... ♦ ۵۱

- گسترش حمایت‌های مشاوره‌ای برای زوجینی که دچار تنش‌های ارتباطی و نارضایتی در زندگی‌اند، که علاوه بر تحکیم بنیان خانواده‌ها، می‌تواند زمینه فرزندآوری و فرزندپروری مناسب‌تر را فراهم کند.
- آگاهی‌بخشی عمومی و گسترش خدمات مشاوره پزشکی و روان‌شناختی برای رفع نگرانی‌های بی‌مورد در زمینه مشکلات احتمالی فرزندآوری در سن بالاتر برای زوجین علاقه‌مند به فرزندآوری.

#### تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی با شخص یا سازمانی ندارند.



## منابع

- اقلیما، م. (۱۳۹۰). «ترس از طلاق و بی‌اعتمادی به همسر، عامل بی‌ رغبتی به داشتن فرزند». خبرگزاری برنا، ۱۶/۰۱/۱۳۹۰. کد خبر: ۳۲۸۸۵. قابل دسترس در: <https://borna.news/fa/news/۳۲۸۸۵>
- ایمان، م.ت.؛ ع. گلی و الف. زارع (۱۳۹۴). «مطالعه الگوی فضایی شیوع ازدواج در بین زنان زیر ۲۰ سال شهری و فرزندآوری آنان». مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۵(۱۴): ۱-۲۴.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر، چ دوم.
- بگی، م؛ ر. صادقی و ع. حاتمی (۱۴۰۰). «تمایل به فرزندآوری در ایران: تعیین‌کننده‌ها و محدودیتها». مطالعات راهبردی فرهنگ، ۱(۴): ۷۹-۵۹.
- پلتن، ف. و م. رحمانیان (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل (مورد مطالعه: زنان و مردان ۲۵ تا ۴۵ ساله شهر جهرم)». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۷(۲): ۱۳۴-۱۲۱.
- حبیب‌پور، ک. (۱۳۸۵). بررسی آثار و علل بالا رفتن سن ازدواج دختران و پیامدهای تجرد قطعی برای آنان. تهران: دفتر امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- خلج‌آبادی فراهانی، ف. (۱۳۹۱). «تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی». مطالعات راهبردی زنان، ۱۵(۵۸): ۴۹-۹۱.
- خواجه‌صالحی، ز. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر برابری جنسیتی بر تمایلات باروری زنان د شهر سیرجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه جمعیت‌شناسی. دانشگاه تهران.
- دراهکی، الف.؛ س. محمودیانی و م. اخوان ارمکی (۱۴۰۲). «تأثیر رضایت از زندگی زناشویی بر تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده زنان». پایش، ۲۲(۳): ۳۵۴-۳۴۵.
- رازقی نصرآباد، ح. (۱۳۹۸). نگرش و تقسیم کار جنسیتی و فاصله تولد اول و دوم در شهر تهران (۱۳۹۷-۹۸). تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- رسول‌زاده اقدم؛ ص. و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)». راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۲۰: ۱۳۶-۱۰۷.
- رشوند سرخکوله، م. (۱۳۹۷). متمایزکننده‌های وضعیت ازدواج در میان زنان شهر تهران. رساله دکتری. دانشگاه تهران.

رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به فرزندآوری ... ♦ ۵۳

- صادقی، ر. (۱۳۹۹). «ترس از طلاق موجب تأخیر در فرزندآوری شده است». *وبینار تخصصی تغییرات اجتماعی و طلاق در ایران*. تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی. ۱۳۹۹/۰۷/۲۵. کد خبر: ۸۴۱۱۱۲۱۰. قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/>
- صیفوری طغرالجردی، ب. و همکاران (۱۳۹۸). «واکاوی و تحلیل تعیین‌کننده‌های باروری: فراتحلیلی از تحقیقات موجود». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی*، ۱۶(۲): ۱۴۵-۱۱۳.
- طاووسی، م. و همکاران (۱۳۹۶). «فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش‌آزمون یک مطالعه ملی». *پایش*، ۶۳: ۵۹۷-۶۰۵.
- طلایی‌نژاد، ن؛ م.ع. مظاهری، م. چراغی و م. حیدری (۱۴۰۱). «موقعیتهای برانگیزان اعتماد و بی‌اعتمادی به همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی». *خانواده‌پژوهی*، ۱۸(۷۰): ۲۲۹-۲۴۶.
- عباسی شوازی، م.ج؛ ح. محمودیان، ر. صادقی و ز. قربانی (۱۳۹۷). «تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی نگرشی بر ایده‌آلهای فرزندآوری در ایران». *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۳(۲۶): ۶۶-۳۷.
- عباسی، الف؛ ر. صادقی، ل. ملکی و ق. بالاخانی (۱۴۰۱). «فراتحلیل پژوهشهای مرتبط با عوامل تأثیرگذار بر نگرشها، تمایلات و قصد باروری در ایران». *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۴(۴): ۹۲-۶۳.
- علی‌دوستی، ع؛ ر. ادهمی و ش. کاظمی‌پور (۱۴۰۰). «عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر نگرش به فرزندآوری: مطالعه موردی زوجین در آستانه ازدواج در شهر کرمانشاه». *پایش*، ۲۰(۴): ۴۸۵-۴۷۱.
- فروتن، ی. و ف. کرمی (۱۳۹۵). «الگوها و تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران». *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۱(۲۱): ۱۰۰-۷۱.
- کاوه فیروز، ز؛ ب. زارع و ح. شمس‌الدینی (۱۳۹۵). «تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان در آستانه ازدواج شهر تهران)». *زن در توسعه و سیاست*، ۱۴(۲): ۲۳۴-۲۱۷.
- کریمی، ز؛ ز. قربانی، ن. زارع، س.س. نوبختی و س. قلی‌زاده (۱۴۰۲). «نقش نشاط معنوی در رضایت‌مندی زناشویی و نگرش به فرزندآوری در زوجین». *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۷(۳): ۱۸۵-۱۷۷.
- کشاورز، ح؛ م. حقیقتیان و خ. توسلی‌دینانی (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر فاصله بین ازدواج و فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰-۴۹ ساله شهر اصفهان)». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴(۱): ۱۲۵-۱۱۱.

- گلزاری، م. (۱۳۸۳). «دوستی و ارتباط پایدار با جنس مخالف در نوجوانان و رابطه آن با ویژگی‌های خانوادگی». نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۲۸-۳۰ اردیبهشت.
- لاریجانی، م و ه. ایزدی (۱۴۰۲). «تحلیل رابطه احساس امنیت اجتماعی و رضایت از زندگی بر تمایل به فرزند دوم در میان زوجین تک‌فرزند شهر تهران». پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۱۱(۲) (پیاپی ۲۱): ۴۶۶-۴۳۷.
- مدیری، ف. و م. قاضی طباطبایی (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر کیفیت زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵(۱۲): ۹۴-۷۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری کشور در ۱۳۹۵. [منبع الکترونیکی] <http://amar.sci.org.ir>
- مطلق، م. الف؛ م. طاهری، م. اسلامی و د. نصرالله‌پور شیروانی (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر ترجیحات باروری در زنان اقوام ایرانی». مجله پرستاری و مامایی، ۱۴(۶): ۴۸۵-۴۹۵.
- ملتفت، ح. ع. نواح و س. رشیدی (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر انواع سبک زندگی بر رفتار باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر اهواز». توسعه اجتماعی، ۱(۴): ۵۴-۳۱.
- نادری‌پور، ف.؛ ج. ابوالقاسمی، ط. دهداری و ر. نوری (۱۴۰۲). «بررسی نگرش زنان متأهل بدون فرزند مراجعه‌کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری زنجان نسبت به فرزندآوری». پایش، ۲۲(۳): ۳۴۳-۳۳۵.
- نیازی، م.؛ ف. تورنجی‌پور، م. نوروزی و الف. عسگری کویری (۱۳۹۵). «فرا تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران». برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷(۲۹): ۶۹-۱۱۹.
- Campbell, L. & S.C. Stanton (2019). **Adult Attachment and Trust in Romantic Relationships**. *Current opinion in psychology*.
- Campbell, L.; J.A. Simpson, J.G. Boldry & H. Rubin (2010). "Trust, variability in relationship evaluations, and relationship processes". *Journal of Personality and Social Psychology*, 99(1): 14-31.
- Hamplova, Dana (2003). "Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation". *Institute of Sociological Review*, Vol. 39.
- Heiland, F.; A. Prskawetz & W.C. Sanderson (2008). "Are individuals' desired family sizes stable? Evidence from West German panel data". *European Journal of Population/Revue européenne de Démographie*, 129: 24.
- Inglehart, R (2003). **Culture Shift in Advanced Industrial Society**. Princeton University Press.

- Lesthaeghe, R.; L. Neidert & J. Surkyn (2008). **Houshold Formation in the Second Demographic Transition in Europe and US: Insights from Middle Range Model**. Online available at: <http://sdt.psc.isr.umich.edu.pubs.online>.
- Lesthaeghe, R. & J. Surkyn (1988). **“Cultural Dynamics and Economic Theories of Fertility Change”**. *Population and Development Review*, 14(1): 1-45.
- Quesnel-Vallée, A. & S.P. Morgan (2003). **“Missing the target? Correspondence of fertility intentions and behavior in the US”**. *Population Research and Policy Review*, 22: 497-525.
- Van de Kaa, D.J. (1987). **Europe’s Second Demographic Transition**. *Population Bulletin*, 42(1). Washington, PRB.
- Van de Kaa, D.J. (2001). **“Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior”**. *Population and Development Review*, 27(Supp.): 290-331.
- Van de Kaa, D.J. (2003). **“Second demographic transition”**. In: *Encyclopedia of Population* (P. 872-875). P. Demeny & G. McNichol (eds.). New York: Macmillan Reference. Wad worth publishing Company.
- Abbasi, A.; R. Sadeghi, A. Maleki & G. Balakhani (2022). **“A meta-analysis of factors related to fertility attitudes, desires, and childbearing intentions in Iranian studies”**. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(4): 63-92.
- Abbasi Shavazi, M.J.; H. Mahmoudian, R. Sadeghi & Z. Ghorbani (2018). **“The Impact of Value-Attitude Orientations on the Ideals of Childbearing in Iran”**. *Population Association of Iran*. 13(26): 37-66.
- Alidousti, E.; A.R. Adhami & S. Kazemipour (2021). **“Socio-economic factors affecting attitudes towards childbearing: A study of ever married couples in Kermanshah, Iran”**. *Payesh*, 20(4): 471-485.
- Bagi, M.; R. Sadeghi & A. Hatami (2021). **“Fertility intentions in Iran: Determinants and limitations”**. *Strategic Studies of Culture*, 1(4): 59-80.
- Dorahaki, A.; S. Mahmoudiani & M. Akhawan Armaki (2023). **“The impact of marital life satisfaction on the number of children ever born to women: a study from Kashan, Iran”**. *Payesh*, 22(3): 345-354.
- Eghlima, M. (2011). **“Fear of divorce and mistrust of the spouse is the cause of reluctance to have children”**. *Borna News*, April 5, news code: 32885. Available at: <https://borna.news/fa/news/۳۲۸۸۵>
- Foroutan, Y. & F. Karami (2016). **“Childbearing Desires in Iran: Patterns and Determinants”**. *Journal of Population Association of Iran*, 11(21): 71-100.

- Golzari, M. (2004). **“Friendship and stable relationship with the opposite sex in adolescents and its relationship with family characteristics”**. *The first National Congress of Family Pathology in Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University, May, 17-19.
- Habibpour, K. (2006). **Investigating the effects and causes of the increase in the marriage age of girls and the consequences of celibacy for them**. Tehran: Office of Women and Family Affairs of the Presidency.
- Iman, M.T.; A. Goli & A. Zare (2015). **“A study of the spatial pattern of the prevalence of marriage among urban women under 20 years of age and their child bearing”**. *Journal of Sociological Urban Studies*, 5(14): 1-24.
- Inglehart, R. (2003). **Culture shift in advanced industrial society**. Translated by M. Vetr. Second Edition. Tehran: Kavir.
- Karimi, Z.; Z. Qorbani, N. Zare, S.S. Nobakhti & S. Gholizadeh (2023). **“The Role of Spiritual Vitality in Marital Satisfaction and Attitude Towards Childbearing in Couples”**. *Islamic life Journal*, 7(3): 177-185.
- Kaveh Firouz, Z.; B. Zare & H. Shams-al-Dini (2016). **“The Effect of Lifestyle Components on Attitudes to Childbearing (Case Study: Women on the Brink of Marriage in Tehran)”**. *Woman in Development and Politics*, 14(2): 217-234.
- Keshavarz, H.; M. Haghighatian & KH. Tavasoli Dinani (2013). **“A Study on the Factors Influencing the Space between Marriage and Having Children (Case Study: Married Women of 20-49 in Isfahan)”**. *Journal of Applied Sociology*, 24(1): 111-125.
- Khaja Salehi, Z. (2012). **Investigating the effect of gender equality on fertility tendencies of women in Sirjan**. Master's Thesis. Department of Demography. Tehran University.
- Khalajabadi Farahani, F. (2012). **“The Influence of premarital heterosexual relationships on probability of divorce among university educated individuals”**. *Women's strategic studies*, 15(58): 49-91.
- Larijani, M. & H. Izadi (2023). **“Analysis of the relationship between the feeling of social security and life satisfaction on the desire to have a second child in couples with one child in Tehran”**. *Bi-Quarterly journal of Policing & Social Studies of Women & Family*, 11(2): 437-466.
- [Modiri, F. & M. Ghazi Tabatabaie \(2018\). “A Study on the Effects of the Quality of Marital Life on the Childbearing Intention”](#). *Journal of Sociology of Social Institutions*, 5(12): 73-94.

- Moltafeth, H.; A. Navah & S. Rashidi (2019). **“The Effect of Different Lifestyles on the Fertility Behavior of ۱۵-۴۹ Years Old Women in Ahvaz”**. *Journal of Social Development*, 1(4): 31-54.
- Motlagh, M.E.; M. Taheri, M. Eslami & D. Nasrollapour Shirvani (2016). **“Factors Affecting the Fertility Preferences in Iranian Ethnic Groups”**. *Nursing and Midwifery Journal*, 14 (6): 485-495.
- Naderipour, F.; J. Abolghasemi, T. Dehdari & R. Nouri (2023). **“Attitude of childless married women towards childbearing in Zanjan, Iran”**. *Payesh*, 22(3): 335-343.
- Niazi, M.; F. Torenjipoor, M. Noruzi & A. Asgari Kaviri (2016). **“Meta-Analysis of Social Factors Affecting Fertility in Iran”**. *Social Development and Welfare Planning*, 7(29): 69-119.
- Piltan, F. & M. Rahmanian (2015). **“Investigation Factors Affecting the Tendency toward Childbearing Among Married Men and Women (Case Study: Men and Women Aged 25 to 45 Years Old in Jahrom)”**. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 7(2): 121-134.
- Rashvand Sorkhkule, M. (2018). **Differentiators of marital status among women in Tehran**. Doctoral Thesis. Tehran University. Tehran, Iran.
- Rasulzade Aghdam, S.; S. Afshar, S. Adlipour & S.A. Mirmohamdtabar (2016). **“Analyzing the Relationship of Social Capital and Lifestyle with the Tendency to Childbearing (Case Study: Students of Azarbaijan Shahid Madani University)”**. *Journal of Socio-Cultural Strategy*, 5(20): 107-135.
- Razeghi Nasrabad, H.B. (2019). **Attitude and gender division of labor and the interval between first and second births in Tehran (2019-2020)**. Tehran: Institute of Comprehensive and Specialized Population Studies and Management.
- Sadeghi, R. (2020). **“The fear of divorce has caused a delay in childbearing”**. *Specialized webinar on social changes and divorce in Iran*. Tehran: Islamic Republic News Agency. November 25. News code: 84111210. Available at: <https://www.irna.ir/news/84111210>
- Seifoori Toghroljerdi, B.; G.R. Darmian, A.A. Majdi & M. Kermani (2019). **“Analyzing Fertility Indicators: A Meta-Analysis of Existing Literature”**. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 16(2): 113-145.
- Statistical Center of Iran (2011). **Detailed Results of the Country's Census in 2016**. [Electronic Resource] <http://amar.sci.org.ir>
- Talaenejad, N.; M.A. Mazaheri, M. Cheraghi & M. Heydari (2022). **“Situations Activating Trust and Mistrust towards the Spouse**

- among Iranian Married Couples”. *Journal of Family Research*, 18(2): 229-246.**
- Tavousi, M.; M.E. Motlagh, M. Eslami, A.A. Haerimehrizi, A. Hashemi & A. Montazeri (2017). **“Fertility Desire and its Correlations: A Pilot Study among Married Citizens Livng in Tehran”**. *Payesh*, 14(5): 597-605.

